

نام فاسیولیازیس (بیماری انگلی کبدی نشخوارکنندگان) در برخی از زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*

علی اسلامی (استاد انگل‌شناسی دانشگاه تهران)
محسن مشکات (مشاور سازمان دام‌پزشکی ایران)

۱. مقدمه

فاسیولیازیس یکی از ۲۲ بیماری انگلی نشخوارکنندگان ایران است (اسلامی و همکاران ۱۳۷۸). چرخه این انگل غیرمستقیم است و میزبان واسط آن حلزون‌های آبزی هستند. تخم این انگل همراه با مدفوع حیوان آلوده به خارج می‌رسد و در محیط آبزی، نوزاد تشکیل می‌شود. این نوزاد از تخم خارج می‌شود، شنا می‌کند و وارد بدن حلزون می‌شود و پس از طی مراحل مختلف، نوزاد کامل تشکیل می‌شود. نوزاد کامل شده از بدن حلزون خارج می‌شود و روی گیاهان اطراف آب می‌چسبد و کیستی را تشکیل می‌دهد که میزبان نهایی با خوردن آن آلوده می‌شود. بعد از خورده شدن کیست توسط میزبان اصلی، نوزاد در دستگاه گوارش کامل می‌شود، از کیست خارج و در ابتدای روده باریک از راه محوطه شکمی وارد

۱. از سرکار خانم دکتر الهام هوشمند راد، استادیار انگل‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، برای بازبینی این مقاله بسیار سپاسگزاریم.

کبد می‌شود و باعث ایجاد بیماری می‌شود (اسلامی ۱۳۸۷).

روستائیان و دامداران ایران معمولاً با زبان‌ها و گویش‌های خاص منطقه خود در مورد بیماری‌های عفونی حیوانات از جمله فاسیولیازیس صحبت می‌کنند. عدم ضبط و ثبت این اسامی محلی باعث فراموشی و نابودی آنها خواهد شد. هدف این پژوهش، جمع‌آوری، ضبط و ثبت اسامی محلی فاسیولیازیس نشخوارکنندگان در مناطق متفاوت ایران است.

۲. روش پژوهش

بخشی از پژوهش کنونی در دهه چهل شمسی (۱۳۴۲-۱۳۴۸) در پروژه‌ای در سطح ملی با عنوان «اپیدمیولوژی و اهمیت آلودگی کرمی لوله گوارش نشخوارکنندگان کوچک ایران» با همکاری کارشناسان سازمان کشاورزی و مواد غذایی فائو و همکاران ایرانی انجام گرفت. انجام این پروژه، مستلزم مسافرت‌های متعدد به روستاهای نواحی گوناگون ایران بود. اتفاق می‌مونی بود که در این دوره در محضر دامداران، گله‌داران و چوپانان، از اسامی محلی بیماری‌های عفونی گوسفند و بز مطلع شدیم و طی ارتباط و گفت‌وگوی نزدیک با آنان این اسامی را جمع‌آوری و ثبت کردیم. برای تکمیل این بررسی، در دهه هشتاد با همکاری سازمان دام‌پزشکی، پرسش‌نامه‌ای در مورد بیماری‌های عفونی نشخوارکنندگان تهیه شد که در آن نام گویشور، تاریخ و ناحیه جغرافیایی و نام گویش مربوط به بیماری گنجانده شده بود و سازمان دام‌پزشکی آن را به ادارات کل دام‌پزشکی همه استان‌ها ارسال کرد. این پرسش‌نامه‌ها پس از تکمیل به گروه انگل‌شناسی دانشکده دام‌پزشکی عودت داده شد.

۳. نتایج و بحث

روستائیان معمولاً درباره بیماری‌های مهم، شایع و شناخته‌شده از اسامی محلی که توسط پدران آنها نام‌گذاری شده و سال‌ها سینه‌به‌سینه منتقل شده است، استفاده می‌کنند. نتایج حاصل از تحقیق در مورد نام بیماری فاسیولیازیس در بین دامداران و روستائیان مناطق گوناگون ایران در جدول زیر آورده شده است.

اسامی بیماری فاسیولیزیس نشخوارکنندگان ایران در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی

آوانگاری	گویش	استان	آوانگاری	گویش	استان	
jagani	جگنی	بوشهر	pāpule	پاپوله	آذربایجان شرقی	
jagi	جگی		perpule	پرپوله		
kapanak	کپنک		pyulez	پیولز		
kowšak	کوشک		kapalak	کپَلک		
kowčak	کوچک		kapanak	کپَنک		
kapalak	کپلک	چهار محال و بختیاری	kowčak	کوچک	آذربایجان غربی	
kerm-e jiyar	کرم جیر		pāpulā	پاپولا		
kowčak	کوچک		pāpule	پاپوله		
kowšek	کوشک	perpule	پرپوله			
sebarge	سه برَگه	خراسان جنوبی	pepule	په پوله		
kapalak	کپَلک		kapalak	کپَلک		
kowčak	کُوچک		kapale	کپله		
barg-e bid	بَرگ بید	خراسان رضوی	kapanak	کپَنک		اردبیل
jegar-riz	جگر ریز		kapana	کپَنه		
kapalak	کپَلک		jegar-ğurdi	جگر قوردی		
kerm-e bargi-e bozorg	کرم بَرگِ بزرگ	kapalak	کپلک	اصفهان		
kafček	کفچک	kapale	کپله			
kerm-e jegar	کرم جگر	kapanak	کپَنک			
kapalak	کپلک	خراسان شمالی	kapanak-ğurdi	کپَنک قوردی	اصفهان	
kerm-e jegari	کرم جگری		kapana	کپَنه		
kerm-e jigar	کرم جیگر		sar āvardan	سر آوردن		
kowčak	کوچک	kapalak	کپلک			
māleki	مالکی	kapanak	کپنک			
berg-e kenāri	برگ کناری		kowčak	کوچک		
fedonil	فدونیل		merāne	مرانه		
feše	فشه		pink	پینک		

استان	گویش	آوانگاری	استان	گویش	آوانگاری	
ایلام البرز	کرشک	kerešk	خوزستان	گچه	gače	
	کپلک	kušk		کپلک	kapalak	
	تهران	کوشک برگی		kušk-e bergi	کپلک	kapalak
		کیسله		kisle	کپنک	kapanak
		ماری		māri	کرم جگر سیاه	kerm-e jegar-e siyāh
		ماروی جگنی		māro-ye jagani	مالیک	mālik
		مرانه		merāne		
سمنان	بنه‌نیست	bene-niyet	مازندران	کپلک	kapalak	
	زالو	zālu		مارلک	mārlek	
	کاتور	kātur		مالکی	māleki	
	کنار	kenār		جگرعیبی	jegar-eibi	
	سیستان و بلوچستان	کَنو		kannu	جگروک	jegaruk
		مالیک		mālik	کرم جقر	kerm-e jeḡar
فارس	کپلک	kapalak	لرستان	کرم ریزوک	kerm-e rizuk	
	کمچک	kamčak		کپلک	kapalak	
	کوچک	kowčak		مرانه	merāne	
قزوین	کیسیله	kisile	کپلک	kapalak		
	گچه	gače	کمچک	kamčak		
	گورگ	gug	کندو	kandu		
کردستان	آچیک	āčik	گلستان	کپلک	kapalak	
	پرکنارک	parkenārak		کوچک	kowčak	
	زبانک	zabānak		پارپوله	pārpule	
	زالوی کبد	zālu-ye kabad		پپونه	pepune	
	سیاوجه	siyā-veje		کاپانک	kāpānak	
	کپلک	kapalak		کپلک	kapalak	
	مالیک	mālik		کیسله	kisle	
	سوزرک	آجیکه		ājike	جگرریزک	jigar-rizak
اجیک		ajik	جگنو	jaganu		
اچیک		ačik	سوزرک	suzrak		

آوانگاری	گویش	استان	آوانگاری	گویش	استان
tatale-kelm	تتله‌کلم	گیلان	kox-jegar	کخ‌جگر	کرمان
jegara-siyā	جگره‌سیا		kerm-e jegar	کرم‌جگر	
jigara-maraz	جیگره‌مرض		kalak	کلک	
xaši	خشی		kowčak	کوچک	
zālu	زالو		kowčku	کوچکو	کرمانشاه
kapalak	کپلک		kapalak	کپلک	
kondu	کندو		kičak	کیچک	
konde	کنده		kisile	کیسیله	کهگیلویه و بویراحمد
kilāver	کیلاور		sar āvardan	سر آوردن	
gilāver	گیلاور		kerm-e jegar	کرم‌جگر	
lilāfa	لیلافه		kowčak	کوچک	
lilāva	لیلاوه		kapalak	کپلک	مرکزی
nahang	نهنگ		kafčak	کفچک	
niyang	نی‌ینگ		kamčak	کمچک	
nilvā	نیلوا	kowčak	کوچک		
kapalak	کپلک	زنجان	tuk	توک	هرمزگان
pāpile	پاپیله	همدان	jegar-rišak	جگرریشک	
donbe-garče	دنبه‌گرچه		jegaru	جگرو	
ğurd	قورد		jegan	جگن	
ğurdāx	قوردآخ		xāl-e jegar	خال‌جگر	
kapalak	کپلک		duruy	دوروی	
kapale	کپله		sar	سر	
kisile	کیسیله		sarneyze	سرنیزه	
gače	گچه		kerm-e jeğari	کرم‌جقری	
gownās	گواناس		kale-porolak	کله‌پرولک	
kapalak	کپلک		یزد	kowčak	
kafčak	کفچک	mahāz		مهاز	
kowčak	کوچک	harzaj		هرزج	
kičik	کیچیک	haft-pā		هفت‌پا	
		haft-nozi		هفت‌نوزی	

در کل در ۳۱ استان کشور مجموعاً ۱۶۸ نام محلی برای بیماری فاسیولیازیس یا کرم فاسیولا ثبت شد که در این میان استان گیلان با ۱۸ مورد، بیشترین و استان‌های البرز و زنجان با یک مورد کمترین اسامی را به خود اختصاص دادند. برخی از اسامی در چندین استان مشترک هستند و نکته قابل تأمل این است که نام «کپلک» تقریباً در تمامی استان‌ها رایج است.

در ایران داده‌های گویشی زیادی در مورد موضوع‌های متفاوت از گنجینه گویش‌های ایرانی منتشر شده است، ولی در مورد پزشکی و دام‌پزشکی، داده‌های گویش‌های چاپ‌شده در ایران بسیار کمیاب است. برای مثال «بررسی واژه‌های دام و دامداری در گویش کله‌ری» (ملکی ۱۳۸۳)، واژگان دام‌پزشکی (شایق ۱۳۸۸) و «اسامی محلی بعضی داروها، بیمارهای دامی و درمان سنتی منطقه آذرشهر» (جعفرزاده ۱۳۹۰) چاپ شده است و مقاله‌هایی نیز در مورد هیداتیدوزیس (اسلامی ۱۳۹۳)، نام‌های محلی بیماری دیکروسلیازیس (اسلامی ۱۳۹۴)، اسامی محلی جرب در مناطق مختلف ایران (اسلامی و هوشمند ۱۳۹۵) و گویش‌های بیماری‌های انگلی نشخوارکنندگان استان سمنان (اسلامی ۱۳۹۵) منتشر شده است.

روستائیان کشور که در حال حاضر یک‌چهارم جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، مسئول پرورش هشت میلیون و چهارصد هزار رأس انواع گاو و گاومیش، ۶۸ میلیون رأس گوسفند و بز و نزدیک به دویست هزار نفر شتر هستند (معاونت امور تولیدات دامی ۱۳۹۴). متأسفانه، جمعیت روستائیان کشور، کم‌وبیش مانند سایر نقاط دنیا، در حال کاهش است. براساس آمار سال ۱۳۳۵، جمعیت ایران شامل ۶۶٪ روستائی (۱۲ میلیون نفر) و ۳۴٪ (۶ میلیون نفر) شهری بوده است. ولی در سال ۱۳۸۵، این آمار دچار تغییر شدیدی شده است و از جمعیت ۷۰ میلیونی کشور، ۶۸٪ شهری و ۳۲٪ روستائی بوده‌اند. طبق گزارش مرکز آمار ایران و براساس سرشماری عمومی نفوس سال ۱۳۹۰، جمعیت روستائی کشور به ۲۹٪ رسیده است و این نسبت در سرشماری سال ۱۳۹۵، به ۲۵/۹٪ رسیده است (مرکز آمار ایران). مقایسه این آمار درحقیقت به صدا درآمدن زنگ خطری است که بیانگر این حقیقت است که جمعیت روستائیان کشور که تولیدکننده عمده مواد غذایی انسان و حیوانات و همچنین کاربران و پاسداران گویش‌های محلی هستند رو به کاهش گذاشته است و به تدریج با فاصله گرفتن آنها از فضای روستا، کشاورزی و

دامپروری این واژه‌ها و اصطلاحات به دست فراموشی سپرده خواهند شد و روزی خواهد آمد که نسل‌های بعد از این گنجینه ناب هیچ سهمی نخواهند داشت.

منابع

- اسلامی، علی، ۱۳۸۷، کرم‌شناسی دام‌پزشکی، جلد اول: ترماتودها، تهران.
- _____، ۱۳۹۳، «اسامی محلی بیماری هیداتیدوزیس نشخوارکنندگان ایران در برخی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی»، مجله تحقیقات آزمایشگاهی دام‌پزشکی، ش ۶، ص ۸۷-۹۱.
- _____، ۱۳۹۴، «نام‌های بیماری دیکروسلیازیس در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی»، مجله نسخه دام‌پزشکی.
- _____، ۱۳۹۵، «اسامی بیماری‌های انگلی نشخوارکنندگان استان سمنان در برخی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی»، مجله تحقیقات آزمایشگاهی دام‌پزشکی، ش ۶، ص ۵-۹.
- اسلامی، علی و همکاران، ۱۳۷۸، چشم‌انداز آینده کنترل بیماری‌های عفونی گزارش‌شده از نشخوارکنندگان و مشترک با انسان در ایران، طرح تحقیقاتی مصوب گروه علوم دام‌پزشکی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران اسلامی.
- اسلامی، علی و هوشمند، الهام، ۱۳۹۵، «اسامی بیماری جرب نشخوارکنندگان ایران در برخی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی»، دو فصلنامه زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی دانشگاه شیراز، ش ۱، ص ۷۳-۸۵.
- جعفرزاده، ۱۳۹۰، «اسامی محلی بعضی داروها، بیماری‌های دامی و درمان سنتی منطقه آذرشهر»، مجله نظام دام‌پزشکی، ش ۲۱.
- شایق، جلال، ۱۳۸۸، واژگان دام‌پزشکی در فرهنگ بومی آذربایجان، شبستر.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵، www.amar.org.ir
- معاونت امور تولیدات دامی، ۱۳۹۴، www.dla.agri-jahad.ir
- ملکی، ناصر، ۱۳۸۷، «بررسی واژه‌های دام و دامداری در گویش کلهری»، گویش‌شناسی، ش ۳، ص ۵۷-۶۳.

